

# مسئولیت‌دهی به جای تصدی‌گری

گفت‌وگو با دکتر ناصر فکوهی  
پیرامون جامعه‌شناسی دگرگونی نسلی

محمدجواد استادی

اساس سن میانگین ازدواج و سن میانگین برخورداری از نخستین فرزند تعیین می‌شود؛ بنابراین هر اندازه در قالب کلاسیک، سن ازدواج و سن فرزنددار شدن بالاتر برود، فاصله بین نسلی نیز افزایش می‌یابد؛ اما در تعبیری مدرن‌تر می‌توان لایه‌های درون یک نسل را بنابر مؤلفه‌های دیگری نیز از هم جدا کرد؛ مثل سبک زندگی، سلاقی هنری، عقاید سیاسی و اجتماعی، میزان آموزش، گستره و عمق زبان، نظام‌های نشانه‌شناختی و... که می‌توانند برای مثال در یک نسل به صورت عمودی (با فاصله سنی) و یا افقی (با سنین نزدیک به هم) تفاوت جامعه‌شناختی و نسلی به وجود آورده و تا حد تنش پیش روند.

■ با نگاه به جامعه ایرانی، مهم‌ترین عواملی که موجب گسست نسلی و در مقابل آن پیوند نسلی می‌گردند، چیست؟

گسست یا پیوند نسلی از مؤلفه‌های بی‌شماری تبعیت می‌کنند که حتی اگر معیارمان جامعه ایران باشد، باید تنوع بی‌پایان کنشگران آن را از لحاظ اقتصادی، منطقه‌ای، قومی، سیاسی، سبک زندگی، منشاء اجتماعی، میزان سرمایه‌های اجتماعی و نمادین و فرهنگی و... در نظر بگیریم؛ بنابراین نمی‌توان به راحتی از یک یا چند مؤلفه محدود صحبت کرد.

اما اگر به جامعه کنونی بنگریم، اولاً ما بیشتر شاهد گسست هستیم تا پیوستار و همبستگی نسلی و ثانیاً این گسست عمدتاً به فروپاشی نظام‌های ارزشی سنتی و جایگزین نشدن آن‌ها با نظام‌های ارزشی مدرن برمی‌گردد که به اختلال و آسیب جدی در نظام‌های نشانه‌شناختی، زبان‌شناختی، شناختی و فرهنگی در بین نسل‌ها منجر شده است. ماجرا به‌گونه‌ای «برج بابل» است که در پیش چشمان ما می‌گذرد.

■ مکانسیم تغییر ذهنیت نسلی و هدایت آن بر اساس الگوهای مشخص به چه شکل است؟

تغییر ذهنیت‌ها همچون تغییر شیوه‌های کنش به عموماً تصور می‌شود، انجام نمی‌گیرد و قاعداً ما در نظام‌های اجتماعی و نظام‌های کنش و ذهنیت، با تداوم روبه‌رو هستیم تا با گسست و برای تغییر، نیاز به زمان هست؛ اما پس از جنگ جهانی دوم، الزامات سرمایه‌داری لیبرال و سپس نولیبرال، جهان را به‌سوی نوعی جنون هدایت کرده که وضعیتی انفجارانگیز و مدیریت‌ناشدنی را ظاهر کرده است. وضعیتی که در آن طبعاً کشورهای پیرامونی بیشترین ضربات را می‌خورند، ولی کشورهای مرکزی نیز در امان نیستند. نگاهی به وضعیت زادگاه انقلاب‌های صنعتی و اطلاعاتی در اروپای غربی و امریکای شمالی و تخریب نظام‌های اجتماعی و فرهنگی آن‌ها که به صورتی پایدار در بیش از چند دهه اخیر قابل مشاهده است، موضوع را به وضوح نشان می‌دهد.

■ وضعیت جوامع چندفرهنگی مثل کشور ما با گذشت زمان و

ناصر فکوهی دانش‌آموخته انسان‌شناسی از دانشگاه پاریس، استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و عضو انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی است. او که آثار فراوانی در زمینه انسان‌شناسی ترجمه و تالیف نموده در این نوشتار، به پرسش‌های گفتمان الگو پیرامون اقتضانات پرورش آینده‌نگرانه نسل‌ها پاسخ‌هایی مکتوب گفته است. از نگاه او اگرچه معیار سنی مهم‌ترین شاخص کلاسیک طبقه‌بندی نسل‌ها است اما هرچه می‌گذرد شاخص‌های فرهنگی مانند سبک زندگی اهمیت بیشتری در طبقه‌بندی نسل‌ها می‌یابند و سیاست‌گذاری نسلی نیز باید مبتنی بر همین منطق پایه‌ریزی شود. فکوهی می‌گوید نظام اجتماعی را نمی‌توان بر اساس «اراده گفتمانی» تغییر داد اما دین (اگر از نگاه صرفاً مناسکی به آن دست‌برداریم و عمق نگرش‌های) یکی از بزرگ‌ترین منابع جامعه‌ای برای جلوگیری از فروپاشی ارزشی و نسلی است. آزادی مسئولانه مهم‌ترین راهکار پیشنه‌ای او برای انتقال ارزش‌های مثبت و جلوگیری از انتقال ارزش‌های منفی به نسل‌های آتی است.

■ اساساً چه نقشی برای نسل‌های اجتماعی در مفهوم تمدن‌سازی می‌توان در نظر گرفت؟

نسل‌ها در مفهومی خطی و در پیوستاری معنایی از لحاظ جامعه‌شناختی می‌توانند نوعی تجسم تداوم و پایداری نظام اجتماعی باشند که البته می‌توانند خود را صرفاً بازتولیدی مکانیکی کنند و یا تلاش شود در آن‌ها با برنامه‌ریزی، وضعیت نظام اجتماعی را بازتولید کرد. نظام‌های سیاسی کنونی در جهان، امروزه عمدتاً در پی بازتولید خود، نظام‌های اجتماعی را هدف گرفته‌اند و برای این کار صرفاً جای انتقال سرمایه مستقیم روی مدل کلاسیک انباشت و توزیع الیگارشی سرمایه اقتصادی را به پیچیده کردن نظام سرمایه‌ها و توزیع نامتقارن و پیچیده آن داده‌اند که همراه با اشکال گسترده از دستکاری رسانه‌ای و فکری نظام‌های حسی و بهره‌برداری به بدترین شکل از موقعیت‌های پیشرفته فناوریانه انجام می‌گیرد. نتیجه نیز روشن است؛ بحران عمومی و ناامنی که هیچ‌کس را در امان نگذاشته و چشم‌انداز انتقال نسلی را هرچه بیشتر به چشم‌اندازی دیستوپیایی چه برای نسل‌های پیشین و چه برای نسل‌های کنونی تبدیل می‌کند. چشم‌اندازی همان اندازه خطرناک برای موقعیت فرهنگی انسان که برای موقعیت او به‌مثابه یک گونه و به‌طور کلی حتی برای طبیعت.

■ در بررسی‌های علمی چه ملاک‌ها و شاخص‌های مشخصی را برای طبقه‌بندی نسل‌ها می‌توان متصور شد؟

معمولاً در علوم اجتماعی فاصله دو نسل را فاصله‌ای در نظر می‌گیرند که بر